


Research paper

Presenting cultural diplomacy pattern of Islamic republic of Iran based on-grounded theory

Mohammad Tabesh

PhD Student in Cultural Management and Planning, Department of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.


Email: tabesh110@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Ali Rashidpoor

Corresponding Author, Associate Professor, Department of Cultural Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.


Email: alirashidpoor94@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Seyyed Reza Salehi Amiri

Associate Professor, Department of Cultural Management and Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.


Email: dr.salehiamiri@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Reza Ebrahimzadeh Dastjerdi

Assistant Professor, Department of Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Email: ebrahimzadeh2020@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Cultural diplomacy is an intercommunication of ideas, information, art, and other aspects of culture among nations and people to amplify mutual comprehension between them. The object of this study was to present a cultural diplomacy model for the Islamic Republic of IRAN. This qualitative study was implemented using grounded theory and the Strauss and Corbin paradigm model. The data were collected through in-depth interview through a purposive sampling between professors, pundits, cultural attaches, and actors involved in the various fields of cultural diplomacy in Iran. After reaching theoretical saturation with 24 interviews and analyzing the data through three stages of open coding, axial coding, and selective coding, the desired model was developed based on grounded theory. Cultural development, political development, and communication development were considered as causal conditions. Adherence to principles, values, and policies, cultural geography, Islam and Shiism, educational infrastructure, media and cyberspace, religious and spiritual, civilization and cultural heritage, cultural-scientific, institutional, Iranian lifestyle, cultural and social possibility, literary and artistic, humanistic, political; cultural agents; ideological nature were considered as contextual conditions and threats, opportunities, environmental variables, internal weaknesses, and deficiencies as intervention conditions. Strategies included diversification of strategies and tools, actions update, development of actors, strengthening infrastructure, and upgrading the structure and management pattern. The consequences included national security interests, religious and revolutionary ideological development, cultural reproduction, economic growth in the context of culture, Understanding and sustainable peace, strengthening legitimacy and international prestige.

Keywords: Culture, Diplomacy, Cultural Diplomacy, International Cultural Relationship.



ارائه الگوی دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد

محمد تابش

دانشجوی دکتری رشته مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Email: tabesh110@gmail.com



0000-0000-0000-0000

علی رشید پور

نویسنده مسئول، دانشیار، گروه مدیریت فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Email: alirashidpoor94@gmail.com



0000-0000-0000-0000

سیدرضا صالحی امیری

دانشیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: dr.salehiamiri@gmail.com



0000-0000-0000-0000

رضا ابراهیمزاده دستجردی

استادیار، گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Email: ebrahimzadeh2020@gmail.com



0000-0000-0000-0000

چکیده

دیپلماسی فرهنگی تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و جنبه‌های دیگر فرهنگ در بین ملل و مردمان آن‌ها برای تقویت تفاهم میان آن‌ها است. هدف از این پژوهش تدوین الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بود. این پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و مدل پارادایمی «استراوس» و «کوربین» انجام شده است همچنین داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیقی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از اساتید، صاحب‌نظران، رایزنان و عوامل دخیل در حوزه‌های مختلف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. بعد از حاصل شدن اشباع نظری با ۲۴ مصاحبه و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، انجام شده و بر اساس نظریه داده‌بنیاد الگوی موردنظر تبیین گردید. توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی و توسعه ارتباطی) به‌منزله شرایط علی، (پیروی از اصول، ارزش‌ها و سیاست‌ها، جغرافیای فرهنگی، اسلام و تشیع، زیرساخت‌های آموزشی، رسانه‌ای - فضای مجازی، دینی - مذهبی، تمدنی - میراثی، علمی - فرهنگی، نهادی، سبک زندگی ایرانیان، قابلیت‌های فرهنگی - اجتماعی، ادبی - هنری، انسانی - سیاسی، کارگزاران فرهنگی و ماهیت ایدئولوژیک) عوامل زمینه‌ای (تهدیدها، فرصت‌ها، متغیرهای محیطی، ضعف‌ها و کاستی‌های داخلی) به‌عنوان عوامل مداخله‌گر شناسایی شدند. همچنین راهبردها در ۸ محور (تنوع‌بخشی به راهبردها و ابزارها، ارتقای اقدامات، توسعه بازیگران، تقویت زیرساخت‌ها، تقویت ارتباط با مخاطبان، توانمندسازی کارگزاران، پیگیری اهداف، ارتقای ساختار و الگوی مدیریت) و پیامدها شامل ۶ محور (تأمین منافع و امنیت ملی، توسعه ایدئولوژیک دینی و انقلابی، تولید و بازتولید فرهنگ، رشد اقتصادی در بستر فرهنگ، تفاهم و صلح پایدار، تقویت مشروعیت و پرستیژ بین‌المللی) مورد شرح و بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی، روابط بین‌الملل فرهنگی.



مقدمه و بیان مسئله

دیپلماسی، همواره کارکردها و اقتضائات خاص خودش را داشته است و در برهه‌ها و شرایط گوناگون نیز به انحاء مختلفی بروز یافته است. در عصر معاصر، مطرح شدن مباحث جهانی شدن و فرهنگ واحد جهانی، صاحب‌نظران حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی را بر آن داشت تا فرهنگ را از حاشیه مباحث اجتماعی، به متن کشانده و اهمیت دیپلماسی فرهنگی را بیش‌ازپیش مطرح سازند. دیری نپایید که درمقابل نظریه فرهنگ جهانی، بحث تنوع فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی به‌روشنی جلوه‌گر شد. دیپلماسی فرهنگی در پی تأثیرگذاری بر افکار عمومی در سطح ملت‌ها و دولت‌هاست و در این مسیر از ابزار فرهنگ (ارزش‌ها، ایده‌ها، هنر، اطلاعات، زبان و...) بهره می‌برد تا بتواند زمینه همکاری و تعامل سازنده، میان دولت‌ها و ملت‌ها را از طریق تأکید بر نقاط مشترک فراهم‌سازد. همچنین دیپلماسی فرهنگی با توسعه ارتباطات سیاسی میان کشورها، به دنبال تأمین پایدار منافع ملی است.

دیپلماسی عمل انجام مذاکرات بین نمایندگان دولت‌ها یا گروه‌ها است. این امر مستلزم تأثیرگذاری بر تصمیمات و رفتار دولت‌ها و مقامات خارجی از طریق گفت‌وگو، مذاکره و سایر وسایل غیر خشونت‌آمیز است (دایره‌المعارف بریتانیک، ۲۰۲۳). دیپلماسی ابزار اصلی سیاست خارجی است که اهداف و راهبردهای گسترده‌تری را نشان می‌دهد. در دیپلماسی عمومی ابعاد روابط بین‌الملل فراتر از دیپلماسی سنتی است و پرورش افکار عمومی کشورهای دیگر، ارتباط بین گروه‌های غیردولتی، روابط رسمی و دیپلماتیک، ارتباط با خبرنگاران خارجی و فرایند ارتباطات میان فرهنگی را در برمی‌گیرد (کول، ۲۰۰۶).

امروزه دیپلماسی عمومی به‌عنوان روشی تازه برای تأثیرگذاری بر هویت، گفتمان و کنش‌های بازیگران جهانی و تناسب محیط برای موفقیت دستگاه دیپلماتیک با کمک شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های جدید معرفی شده است. درواقع، این دیپلماسی، ترکیبی از توانایی شبکه‌های ارتباطی، نوآوری‌های فناوری، توانایی بازیگران غیردولتی و روابط پویا با جامعه جهانی است که مخاطب آن علاوه بر دولت‌ها، مخاطبین عمومی داخلی و جهانی نیز هستند و دولت‌ها در آن نقش هدایتی و نظارتی داشته و کارکرد آن باعث ارتقای قدرت نرم و توسعه نفوذ یک کشور در عرصه جهانی است (دهشیری، ۱۳۹۳).

ابزار این نوع دیپلماسی عبارت است از: مبادلات علمی بین ملت‌ها، پخش جهانی رسانه‌ای، روابط عمومی بین‌المللی، کمک‌های خارجی، سایبر، حقوق بین‌الملل، فناوری اطلاعات، استفاده از ابزارهای اقتصادی، نهادهای مردمی و درنهایت دیپلماسی فرهنگی (قشقاوی، ۱۳۸۹).

بسیاری از محققان دیپلماسی فرهنگی را به‌عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی یا یکی از ابزارهای آن در نظر می‌گیرند (گاف، ۲۰۱۳).^۱ دیپلماسی فرهنگی تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و جنبه‌های دیگر فرهنگ در بین ملت‌ها برای تقویت تفاهم میان آن‌هاست (کامینگز، ۲۰۰۳).^۲

از نظر «هیلر و پرسون»^۳، (۲۰۰۹) دیپلماسی فرهنگی، با کمک ابزارهایی از جمله ارزش‌ها، فرهنگ، ورزش و هنر، مردم را جذب می‌کند. هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی درک متقابل است، این یک کانال اطلاع‌رسانی یک‌طرفه نیست بلکه ارتباط بین دولت و مخاطب است که معمولاً از سوی دولت‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرد ولی مخاطب اصلی عرصه این دیپلماسی، عموم مردم می‌باشند و می‌توان آن را پژواک صدای بخش غیردولتی در روابط بین‌المللی دانست.

بخش عمده‌ای از قدرت دیپلماسی فرهنگی، از فرهنگ وام‌گرفته می‌شود و به‌همین دلیل دولت‌ها سرمایه زیادی را در مؤسسات فرهنگی هزینه می‌کنند (نای، ۲۰۰۸).^۴

جمهوری اسلامی ایران قابلیت گسترده‌ای برای استفاده از دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزار جدید قدرت در دنیا دارد که علاوه بر قدرت سخت می‌تواند در راستای تأمین منافع ملی حرکت کند و قلوب سایر مردم و ملت‌های جهان را با آرمان‌ها و ارزش‌های ایرانی-اسلامی آشنا و همراه کند و از هزینه‌های ایجاد تقابل بین ملت‌ها بکاهد. برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری، انتشار کتاب، سخنرانی و نمایش فیلم، از جمله ابزارهای دیپلماسی فرهنگی هستند که با بهره‌گیری از آن‌ها سیاست فرهنگی کشورها معرفی و با ایجاد روابط عمیق و طولانی، گردشگران جلب می‌شوند (تاپیک و کاساندر، ۲۰۱۲).^۵

-
1. Goff
 2. Cummings
 3. Heller & Persson
 4. Nye
 5. Topic & Cassandra

جدول شماره ۱: مقایسه اصطلاحات مختلف مرتبط با فرهنگ در روابط بین‌الملل

مثال	قالب فرهنگی	هدف	مخاطب هدف	دخالت دولت	
کنگره وین در سال ۱۸۱۵ با اجرای موسیقی و اپرا	تبادل هدیه، اجراها	حفظ روابط دیپلماتیک	دولت‌های خارجی و مردم	حیاتی	دیپلماسی
تبادل دانشمندان و محققان	تمام اشکال فرهنگ والا، آموزش و پرورش و اطلاعات	پرسـتـیـژ و پشتیبانی در میان مخاطبان خارجی	به‌طور کلی مخاطبان خارجی	حیاتی	دیپلماسی عمومی
برگزاری نمایشگاه در یک کشور خارجی با حمایت دولت	بیشتر "فرهنگ عالی" - هنر، موسیقی کلاسیک	اعتبار و پشتیبانی در بین مخاطبان خارجی	مخاطبان خارجی عمدتاً نخبگان	بسیار مهم (طبق گفته برخی محققان ضروری نیست)	دیپلماسی فرهنگی

منبع: استلوسکا، ۲۰۱۵.

در شرایط روبه‌رشد جهانی‌شدن و جریان‌های سریع اطلاعات که دیپلماسی بین‌المللی را شفاف‌تر کرده و اجازه می‌دهد که انواع بازیگران به اطلاعات و منابع دسترسی داشته باشند، بازیگران جدید دیپلماسی فرهنگی فرصت را غنیمت شمرده و اولین گام‌ها را در این‌راه برداشته‌اند. بازیگران غیردولتی می‌توانند به‌عنوان نهادهای غیرمستقل که قدرت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نفوذ در سطوح ملی یا بین‌المللی دارند، تعریف شوند (لاپورت، ۲۰۱۲).

این تعریف طیف وسیعی از نهادها، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های مدنی و شرکت‌های تجاری فراملی را شامل می‌شود (اسپیرو، ۲۰۱۳). براین‌اساس، دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد قدرتمند روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه تلاشی سازمان‌یافته و ازپیش‌طراحی‌شده، به‌منظور اثرگذاری بر ادراک‌ها، باورها، ارزش‌ها و برداشت‌های مردمان و دولت‌های آنان از طریق معرفی و گسترش فرهنگ

1. Stelowska
2. La Porte
3. Spiro

ایرانی- اسلامی و ایجاد ارتباط درست و متوازن با سایر فرهنگ‌ها، برای تأمین و توسعه منافع ملی می‌باشد.

به‌همین دلیل، گسترش دیپلماسی فرهنگی، به مفهوم شناساندن، تبیین و ترویج عناصر و مؤلفه‌های ابعاد مختلف تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی است.

۱. پیشینه پژوهش

نقش دیپلماسی فرهنگی به‌مثابه جلوه‌ای از فرهنگ، اندیشه، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری دولت جمهوری اسلامی ایران در منظر افکار عمومی جامعه جهانی مطرح می‌شود و جایگاه کشور را در نظام بین‌المللی رقم می‌زند. ارائه تصویر درست و واقعی از نظام فرهنگی و ارتباط با سایر فرهنگ‌ها در عرصه بین‌الملل، می‌تواند زمینه‌ساز، موفقیت کشور در سایر زمینه‌های بین‌الملل باشد. با این شرایط به برخی تحقیقات انجام‌شده در حوزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

قنبرلو (۱۴۰۰) در مطالعه دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران به مشکلات و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران می‌پردازد و فقدان استراتژی منسجم، غفلت از بخش خصوصی، ضعف کارگزاران دولتی، غلبه نگاه ایدئولوژیک و تعدد نهادهای سیاست‌گذاری را مهم‌ترین عوامل دخیل در تضعیف دیپلماسی فرهنگی کشور ذکر می‌کند.

غلامی، رشیدی و اختیاری امیری (۱۴۰۱) با تأکید بر نقش و قدرت فرهنگ و تمدن در روابط بین‌الملل و تأمین منافع ملی و همگرایی منطقه‌ای، در یک پژوهش کیفی به بررسی فرضیه ترویج سیاست فرهنگی ایران پرداخته‌اند. در حوزه بررسی دیپلماسی فرهنگی با کشورهای همسایه در پژوهش بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه دریافتند که جمهوری اسلامی ایران به دلیل حضور فرهنگی در طول تاریخ توانسته با استفاده از دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای به‌همکاری‌های فراوانی برسد، اما در راستای بهبود این پیشرفت‌ها با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو شده است (خالدی، عامری و حسین‌زاده، ۱۳۹۹).

زرین‌فام، رنجبر، گلپایگانی و بهشتی‌نیا (۱۴۰۰) با بررسی تأثیرگذاری سرمایه

اجتماعی بر تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، دریافتند که با افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه، تهدیدات فرهنگی کمتر می‌شود و به تناسب با تضعیف سرمایه اجتماعی، افزایش تهدیدات فرهنگی و در معرض خطر قرارگرفتن منافع ملی رخ می‌دهد.

همچنین قربانی گلشن‌آباد (۱۴۰۰) در بررسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی دریافت که مؤلفه‌های ارزشی- بینشی، بیشترین درجه اهمیت را از نظر صاحب‌نظران، در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده و البته میزان موفقیت بیشتری، هم در شرایط فعلی (۱۴۰۰) و هم در شرایط آتی (۱۴۰۴) خواهیم داشت.

شیخ‌زاده، کمالی و دوست حسینی (۱۴۰۱) در فرا تحلیل رویکرد آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عوامل آسیب مؤثر بر سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران را در گروه‌های نهادی، شناختی و محیطی دسته‌بندی کرده‌اند. در مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰)، نیز مشخص شد که علی‌رغم فرصت‌ها و شرایط مساعدتر ایران در عراق نسبت به ترکیه، به دلیل تمرکز بیشتر بر مذهب شیعه و مباحث مقاومت، نسبت به سایر شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی توجه کمتری شده و در مقابل ترکیه، با استفاده از ابزارهای فرهنگی همچون زبان و ادبیات کردی، توسعه گردشگری، ارتباطات رسانه‌ای و علمی، گستره نفوذ بیشتری را برای خود فراهم کرده است (پورعلی، دهشیری، قانلی و خداوردی، ۱۴۰۱).

ذوالفقاری و غلامعلی نیز به دنبال تبیین ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم زبان فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مطالعه جامع و روشمند ابعاد این ظرفیت ارزشمند دیپلماسی ایران، در جهت پردازش دقیق و منسجم‌تر آثار آن بر تحقق منافع کشور بوده‌اند (ذوالفقاری و غلامعلی، ۱۴۰۱).

صادقی و مشهدی (۱۳۹۸) نیز دریافتند که استفاده از دیپلماسی فرهنگی پویا و همگام با سرعت و کیفیت دنیای دیجیتال امروز می‌تواند نقش مهمی در تعمیق روابط ایران و ارمنستان در دیگر سطوح ایفا کند.

منیری، صالحی امیری و چاوش‌باشی (۱۳۹۷) نیز در بررسی ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی مبتنی بر مقایسه تطبیقی با ترکیه دریافتند؛ نهاد دیپلماسی فرهنگی ایران از نظر عوامل خارجی از فرصت‌های بیشتری برخوردار است و از نظر عوامل داخلی از حد متوسط پایین‌تر است. بنابراین، استراتژی

«محافظة کارانه» برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را پیشنهاد کردند. همچنین در حوزه بررسی دیپلماسی فرهنگی با آسیای شرقی و اروپا عراقچی و جنتی محب (۱۳۹۶) در مطالعه موردی روابط ایران و ژاپن در دوران تحریم دریافتند که دو کشور با انجام تبادلات فرهنگی مختلف در شرایط سخت ناشی از تحریم‌ها، سعی در تلطیف فضای منفی ایجادشده و باز نگاه‌داشتن کانال‌های ارتباطی نموده‌اند و در مطالعه دیگری دریافتند که گسترش علاقه و شناخت نخبگان و توده مردم ایتالیا به ارزش‌های فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی همچنین زبان و ادبیات فارسی، امکان تحقق اهداف دیپلماسی فرهنگی را فراهم نموده و ایتالیا می‌تواند تا حد زیادی به‌عنوان الگوی مناسبی برای دیگر کشورهای اروپا شناخته شود (درخشه و اسماعیلی، ۱۳۹۶).

در حوزه بررسی آسیب‌های دیپلماسی فرهنگی به نظر اژدری، فرهنگی، صالحی امیری و سلطانی‌فر (۱۳۹۷) ایران در موقعیت راهبرد محافظه‌کارانه قرار دارد و می‌بایست نسبت به تقویت اشتراکات دینی، تاریخی و فرهنگی، تربیت نیروی انسانی متخصص، گسترش ارتباطات فرهنگی، هنری، اقتصادی - علمی و بازرگاری در برخی قوانین اقدام کند.

ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) نیز به بررسی چگونگی استفاده مؤثر از «قدرت نرم» در پیشبرد دیپلماسی کشورها و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل پرداخته است.

اژدری، فرهنگی، صالحی امیری و سلطانی‌فر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» دیپلماسی فرهنگی را در ابعاد زمینه‌ای، قانونی و اجرایی تقسیم‌بندی کرده‌اند. این مدل بر اهمیت بهبود شاخص‌هایی همچون فرهنگ، آموزش، حقوق فرهنگی، ارتباطات و حکمرانی خوب اشاره دارد.

جمشیدی، سلطانی‌نژاد و بیات (۱۳۹۵) نیز مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تغییر دیدگاه و ادراک مردم یک کشور نسبت به دیگری را ارتباطات میان‌فرهنگی می‌دانند که با افزایش آگاهی و شناخت ملت‌ها از یکدیگر و رفع سوءتفاهمات احتمالی، زمینه را برای مشروعیت تصمیم دولت‌ها به تنش‌زدایی فراهم می‌کند.

«اونالمیز و باسران» (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند که ایران پس از انقلاب اسلامی تلاش می‌کند تا با جوامع شیعه همدلی پیدا کند و یک واکنش عمومی از طرف ایران شکل بگیرد و آن‌ها را درگیر فعالیت‌های دیپلماسی عمومی کند.

«وکال»^۲ (۲۰۱۸) در مورد جایگاه فرهنگ به‌عنوان یک عنصر قدرت نرم در سیاست خارجی ایران توضیح داده و بیان می‌دارد که ایران از فرهنگ و زبان خود به‌عنوان یک دستگاه قدرت نرم در سیاست خارجی خود استفاده کرده است.

«ویارروئل»^۳ (۲۰۱۷) تأمل در مورد دیپلماسی فرهنگی را به‌عنوان جایگزینی برای تفاهم مسالمت‌آمیز در یک سیستم جهانی شده بین‌المللی را مطرح می‌کند.

«کوریلوف، نیکولین و گونچارووا»^۴ (۲۰۱۷) نیز بیان می‌دارند که این دیپلماسی از ابزارهایی چون فرهنگ، زبان، جهانگردی و «دیاپورا»^۵ بهره‌می‌برد و نتیجه می‌گیرد که اهمیت قدرت نرم در راهبرد سیاست خارجی ایران همچنان روبه‌رشد خواهد بود. با بررسی پژوهش‌های موجود مشخص شد که هرکدام به بررسی بخشی از موضوع یا در جغرافیای خاص پرداخته‌اند و مطالعه جامعی در عوامل علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها انجام‌نشده که لزوم بررسی جامع را نشان می‌دهد.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر، جزء تحقیقات توسعه‌ای و از نوع کیفی است که با استفاده از روش داده‌بنیاد^۶ انجام شده است. نمونه‌گیری این تحقیق مبتنی بر روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نظری است و محقق افراد خاصی را که حتماً تجربه فعالیت علمی یا عملی در حوزه دیپلماسی فرهنگی، حداکثر تمایز از نظر حوزه، نوع فعالیت و حضور در حوزه‌ها، میزان پایبندی به ارزش‌های دینی، سن و سطوح مختلف اجتماعی و همچنین تجربیات متنوعی از موضوع موردنظر را داشته‌اند؛ انتخاب نموده است.

گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته از ۲۴ نفر از اساتید، صاحب‌نظران، مدیران حوزه دیپلماسی فرهنگی، رایزنان و کارداران فرهنگی، سفرا، مبلغین دینی خارج از کشور، فعالان و شخصیت‌های فرهنگی بخش خصوصی فعال در حوزه بین‌الملل صورت گرفته است.

1. Unalmis & Basaran
2. OCAL
3. Villarroel
4. Kurylev, Nikulin & Goncharova
5. Diaspora
6. Grounded Theory

جدول شماره ۲: خصوصیات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

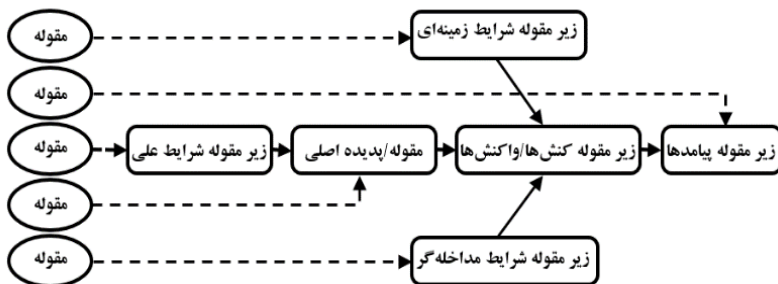
سابقه (سال)			سمت علمی و اجرایی					تحصیلات		جنسیت		
۱۵-۲۰	۱۰-۱۵	۵-۱۰	استاد دانشگاه	فعال فرهنگی پروژمروزی	پژوهشگر	رایزن	سفیر و کاردار	وزیر، معاون سازمان و مدیرکل	کارشناسی ارشد	دکتری و معادل	زن	مرد
۹	۱۱	۴	۸	۴	۳	۴	۵	۷	۵	۱۹	۱	۲۳

برای تحلیل داده‌ها از رویه‌های تفصیلی مشتمل بر سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، که توسط استراوس و کوربن (۱۹۹۸) ارتقا یافته‌اند و بر سه عنصر تحلیل شرایط، کنش‌ها، واکنش‌ها و پیامدها تمرکز دارد، استفاده شد. پس از تکمیل مصاحبه‌ها، اطلاعات به‌دست‌آمده مقوله‌بندی و برای تحلیل داده‌ها از فرایند کدگذاری استفاده شد. در مرحله کدگذاری، تعداد ۱۰۱۳ کد باز اولیه، ۴۰۶ مقوله و تعداد ۱۰۳ محور (تم) شناسایی شد.

شکل (۱)- کدگذاری محوری براساس مدل پارادایمی

مقوله‌های کدگذاری باز

پارادایم کدگذاری محوری



شرایط واسطه‌ای یا مداخله‌گر بر وقایعی دلالت دارد که موجب تغییر در شدت اثرگذاری شرایط علی می‌شوند و شرایط زمینه‌ای که مختص پدیده محوری هستند، شناسایی و در نهایت پیامدهای این پدیده، معرفی شد.

جدول شماره ۳: تعداد کدهای باز، مفاهیم، مقوله‌ها و محورهای تحقیق

پارادایم	ابعاد	مفاهیم	مقوله‌ها	محور (تم)
شرایط علی	توسعه ارتباطاتی	۳	۳	۱
	توسعه سیاسی	۱۱	۳	۱
	توسعه فرهنگی	۱۴	۴	۱
مجموع				۳
عوامل مداخله‌گر	تهدیدهای محیطی	۳۲	۱۳	۴
	فرصت‌های محیطی	۴۱	۱۵	۳
	تعدیل گره‌های داخلی و خارجی	۷۶	۳۱	۸
	ضعف‌های داخلی	۲۰۴	۱۰۲	۱۳
مجموع				۲۸
عوامل زمینه‌ای	پیروی از اصول، ارزش‌ها و سیاست‌ها	۱۲	۶	۱
	جغرافیای فرهنگی	۶	۴	۱
	دین و مذهب	۲	۱	۱
	زیرساخت‌ها	۶۱	۱۸	۶
	قابلیت‌ها	۷۲	۲۸	۵
	کارگزاران فرهنگی	۵	۳	۱
	ماهیت ایدئولوژیک	۸	۳	۱
	مجموع			
مجموع شرایط و عوامل				۴۷
پدیده محوری				-
				۱۶

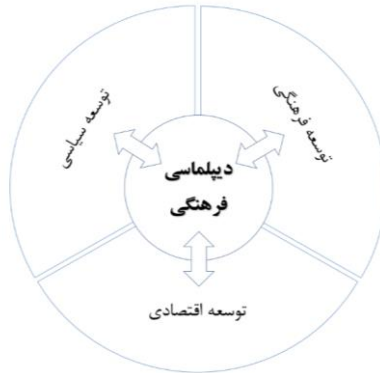
۱۲	۳۳	۸۰	ارتقاء اقدامات و فعالیت‌ها	راهبردها
۹	۴۲	۱۰۲	ارتقاء ساختار و الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی	
۶	۱۸	۵۲	پیگیری رسالت‌ها و اهداف	
۳	۱۵	۴۶	تقویت ارتباط با مخاطبان	
۲	۵	۷	تقویت زیرساخت‌ها	
۱۱	۲۲	۷۵	تنوع در راهبردها و ابزارها	
۱	۶	۱۱	توانمندسازی کارگزاران	
۶	۱۰	۳۵	توسعه و تقویت بازیگران	
۵۰	۱۵۱	۴۰۸	مجموع راهبردها	
۱	۴	۹	تأمین منافع و امنیت ملی	تفصیلات
۱	۳	۶	توسعه ایدئولوژیک دینی و انقلابی	
۱	۳	۴	تولید و بازتولید فرهنگ	
۱	۶	۱۲	رشد اقتصادی در بستر فرهنگ	
۱	۲	۳	تفاهم و صلح پایدار	
۱	۳	۸	گسترش ارتباطات و ایجاد پرستیژ بین‌المللی	
۶	۲۱	۴۲	مجموع پیامدها	
۱۰۳	۴۰۶	۱۰۱۳	جمع کل	

۳. یافته‌های پژوهش

براساس نتایج به دست آمده عواملی علی دیپلماسی فرهنگی مشتمل بر ۱۰ مؤلفه (دریچه گفت‌وگوی با جهان، تنوع فرهنگی و گفت‌وگوی جهانی بین فرهنگی، فطرت انسان به عنوان مدار گفت‌وگو، ارتباط با ملت‌ها به‌ویژه در زمان بحران‌های سیاسی، ابزار و زمینه دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی، زمینه‌ساز موفقیت دیپلماسی سیاسی، ایجاد نگرش مثبت، جاذبه و تأثیر بر افکار عمومی، معرفی ایران

براساس واقعیت‌های تاریخی، دینی، تمدنی، طبیعی، ارزشی، فرهیختگان و...، معرفی پیام ناب انقلاب اسلامی ایران به جهانیان، ارائه قرائت واقعی از اسلام بر پایه عقلانیت، آزادی و صلح می‌باشد که در ۳ محور توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اقتصادی طبقه‌بندی شدند.

شکل (۲) - شرایط علی دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران



براساس نتایج پژوهش، عامل دیگر ایجاد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، شرایط سیاسی داخلی و خارجی می‌باشد که ج.ا.ایران در آن رشد یافته است. در سطح داخلی، باور تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان کشور بر این شد که فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی سرچشمه قدرت‌سازی برای کشور است. این باور از مسیر تجربه دوران جنگ هشت‌ساله با عراق و دوران تحریم پس از انقلاب، به‌دست‌آمده است. از سوی دیگر، دیپلماسی فرهنگی، مسیر مناسبی را برای ارتباط با ملت‌ها به وجود آورده است؛ به‌ویژه در زمان بحران‌های سیاسی که سایر مسیرها مسدود یا با مانع همراه است. از این‌منظر، دیپلماسی فرهنگی تقویت‌کننده دیپلماسی سیاسی و تأمین‌کننده اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی است.

همچنین در بعد ماهیت و رسالت دیپلماسی فرهنگی، تاریخ و تمدن ایران، هویت مشترکی دارد و دربرگیرنده و پیونددهنده ادیان، مذاهب، زبان‌ها و اقوام گوناگون است. مرزهای سیاسی درگذر زمان، این پهنه فرهنگی را به‌صورت فرضی از یکدیگر جدا نموده است و یا این افراد در نتیجه مهاجرت گروهی و فردی در سطح جهان پراکنده‌شده‌اند و با این‌وجود، همچنان به ایران علاقه دارند.

نکته قابل توجه در یافته‌های پژوهش این بود که مصاحبه‌شوندگان، علت پیدایش

دیپلماسی فرهنگی را توسعه سیاسی، ارتباطی و فرهنگی می‌دانستند و کمتر به بعد اقتصادی آن اشاره داشتند.

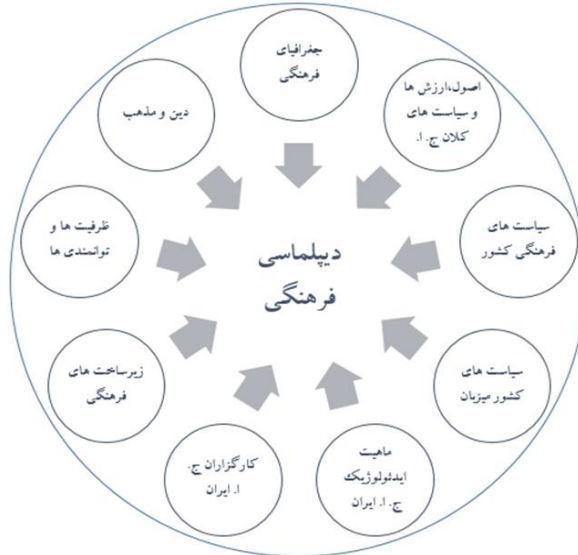
بااینکه برخی از افراد اشارات غیرمستقیمی به این موضوع نمودند؛ اما می‌بایست در یک ساختار هم‌پوشان، تمام ابعاد توسعه به‌صورت متوازن، مدنظر متولیان امر قرار داشته باشد. دیپلماسی فرهنگی همچون هر پدیده‌ای در یک بستر و زمینه شکل می‌گیرد و عوامل زمینه‌ای موجود در بستر باعث شکل خاصی از آن پدیده می‌شود. براساس یافته‌ها عوامل زمینه‌ای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران، در ابتدا اصول، ارزش‌ها و سیاست‌های کلان کشور به‌ویژه در حوزه فرهنگی است. سیاست‌های فرهنگی بین‌الملل، منعکس‌کننده و تابع سیاست‌های فرهنگی کشور و به‌تبع آن اصول و ارزش‌های کلان ج.ا.ایران می‌باشد. شرایط محیطی درشدت پیگیری این اصول ارزشی مؤثر می‌باشند.

در این راستا، تاکتیک‌ها، روش‌ها، ابزار و بازیگران دچار تغییر می‌شوند؛ اما اصول ارزشی پایدار می‌ماند. از سویی دیگر، احترام به ارزش‌ها و قوانین کشور میزبان و پرهیز از درگیر شدن در جریان‌های روز و کم‌اهمیت، از اصولی است که اقدامات دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران در آن بستر شکل می‌گیرد. جغرافیای فرهنگی، عامل دیگری است که به‌عنوان زمینه، راهبردهای دیپلماسی فرهنگی را می‌سازد. از یک‌سو، دوری و نزدیکی جغرافیایی است که در سه سطح محیط مجاور، محیط منطقه و محیط بین‌الملل تعریف می‌شود؛ و دوری و نزدیکی فرهنگی است که بر سه محور اسلام، تشیع و فرهنگ و تمدن ایران تعریف می‌گردد و در آن منطقه‌گرایی فرهنگی در قالب جهان ایرانی است یا حوزه نوروژ و اتصالات و همگرایی فرهنگی میان آن‌ها وجود دارد.

از سویی دیگر، دوری و نزدیکی سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران می‌باشد که فراتر از مرزهای جغرافیایی است و براساس سیاست‌ها و راهبردهای کلان ج.ا.ایران تعریف می‌گردد تا زمینه‌ساز تحقق و تحکیم این اهداف باشد. مؤلفه دین و مذهب عامل دیگری است که در نتایج پژوهش به‌صورت واضح و پررنگ استخراج شد.

ایران از حضور ادیان ابراهیمی در کشور خود به‌عنوان عاملی برای توسعه ارتباطات فرهنگی بهره می‌گیرد. درچنین حالتی، مزیت نسبی ج.ا.ایران در دیپلماسی فرهنگی، ابعاد ژئوپلیتیک دین اسلام و تشیع در ژئوکالچر ایران به‌عنوان تنها کشور با حاکمیت شیعه است.

شکل (۳) - عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران



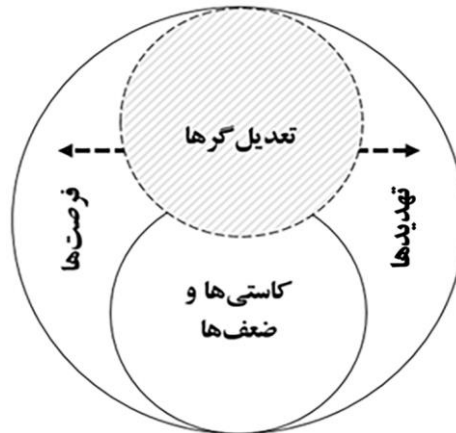
تمدن و تاریخ ایران یکی از پرقدرت‌ترین و جذاب‌ترین مؤلفه‌ها در توسعه دیپلماسی فرهنگی ایران به‌شمار می‌رود. این مؤلفه، مزیت رقابتی و نقطه اتکای دیپلماسی فرهنگی است. ظرفیت مشاهیر و مفاخر ایرانی در قالب مؤلفه میراث فرهنگی ملموس و ناملموس ایران و ثبت جهانی آن، به‌ویژه در گردشگری فرهنگی و مذهبی، گنجینه‌ای عظیم و خاستگاهی غنی است. زیرساخت‌های متنوع آموزشی و علمی - فرهنگی که در داخل و خارج از ایران گسترش یافته، ساختارهای نهادی که در قالب موافقت‌نامه‌های فرهنگی در کشورهای مقصد هستند؛ یا هویت‌بخشی و اعتباربخشی که توسط سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌شود، همچون ثبت جهانی شهرها به‌عنوان پایتخت فرهنگی و...، از دیگر عوامل زمینه‌ای شناسایی شده می‌باشد. سبک زندگی ایرانیان، قابلیت‌های زبان فارسی و جذابیت آن برای مخاطبین به‌ویژه کشورهای حوزه نوزد، قابلیت‌های ادبی و هنری و قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی که با حضور هنرمندان برجسته ایرانی با آثار تولیدی آن‌ها در قالب‌های متنوع صنایع دستی ایرانی، موسیقی، هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی، سینما و آثار تصویری و ادبی که از جمله منابع فرهنگی تمدنی برای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران است، ظهور و بروز می‌یابد.

توانمندی‌های ارکان سیاسی جمهوری اسلامی و مدل حکومت سیاسی ایران

مردم‌سالاری دینی) به‌عنوان کشوری مستقل و غیروابسته همچنین به‌عنوان تنها کشور شیعه با حاکمیت شیعه و با شخصیت‌های کلیدی نظام (امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و... با حضور در لایه اول دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران و الهام‌بخشی به حرکت‌های انقلابی مستقل و دوستداران انقلاب اسلامی)، خود بستری است که دیپلماسی فرهنگی از دل آن می‌جوشد.

همچنین تقویت ساختار ارتباطی برای ایرانیان دور از وطن (دیاسپورا) و انسجام‌بخشی مستمر آن‌ها با ابزار فرهنگی- هنری، به‌منظور استفاده از ظرفیت انسانی و اقتصادی آن‌ها در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی انجام می‌گیرد. عوامل مداخله‌گر در میدان اجرای دیپلماسی فرهنگی، همواره از عواملی هستند که اجرای راهبردهای دیپلماسی فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده و بر انتخاب، شدت و ضعف و میزان اثرگذاری آن تأثیر دارند. برخی از این عوامل به بافت محیط برمی‌گردد و شکل تهدید و فرصت به خود می‌گیرد؛ و برخی دیگر نیز در سازوکار و بافت درون دیپلماسی فرهنگی است و در نتیجه، ضعف‌های خود را نشان می‌دهد. برخی موارد نیز حالت بینابینی دارند و عوامل تعدیل‌گر شناخته می‌شوند.

شکل (۴) - چهارچوب مفهومی عوامل مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

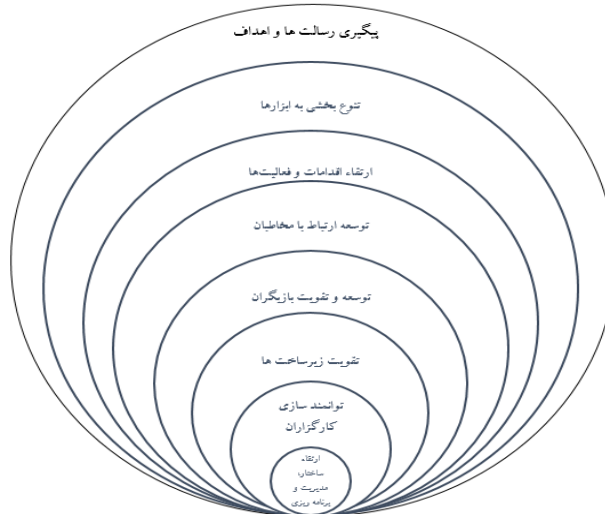


آنچه به‌عنوان تهدید شناسایی شد، در درجه اول تصویر کدری است که از ج.ا.ایران در ذهنیت مخاطبان نقش بسته است. این تصویر نادرست به علت اقدامات رقبا، مخالفین، معارضین و برخی از ایرانیان خارج از کشور به وجود آمده و یا ناشی از شناخت ناکافی ملت‌ها از فرهنگ و تمدن ایرانی است که در نتیجه فقدان تعاملات

فرهنگی با ایران حاصل شده است. عامل مؤثر دیگر در این خصوص رسانه‌ها، جریان‌ها و گروه‌های مخرب می‌باشند. از یک‌سو نقش تخریب‌کننده اسلام افراطی (شیعه و سنی) در اختلاف‌افکنی و تخریب وجهه اسلام و ایران نقش دارد و از سوی دیگر، فعالیت گروه‌های معاند که مانع فعالیت دیپلماسی فرهنگی، همکاری با مخاطبان و بازیگران به‌ویژه ایرانیان خارج از کشور شده و آن‌ها را تحت فشار قرار داده است. تقابل گفتمان‌های رقیب که توسط رسانه‌ها و افراد در مقابل پیام و گفتمان دیپلماسی ج.ا.ایران ایجاد گردیده، مانعی اصلی برای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران به حساب می‌آید. علاقه‌مندی‌ها و سلیقه‌های فرهنگی و تاریخی و ساختاری، عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری روابط فرهنگی و به تبع آن دیپلماسی فرهنگی است. هرچه اشتراک‌های میان دو کشور بیشتر باشد، دستگاه دیپلماسی فرهنگی با سهولت بیشتر، می‌تواند فعالیت کند. مسئله حاکمیت فرهنگی و استیلای سیاست بر فرهنگ، یکی از عوامل تأثیرگذار در دیپلماسی فرهنگی است. ضعف شناخت، دانش و مهارت‌های دیپلماسی فرهنگی، عدم نگاه تخصصی و علمی به فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک علم، شناخت ناکافی در ابعاد موضوعی دیپلماسی فرهنگی در سطوح مختلف از سیاست‌گذار تا مجری، شناخت محدود از حوزه تئوری دیپلماسی فرهنگی و زوایا و ابعاد آن، جریان‌های حاکم و جاری فرهنگ بین‌الملل، اولویت فرهنگی کشور نسبت به اولویت‌های فرهنگ بین‌الملل، اهمیت اعتبار جهانی فرهنگی در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری‌ها، پیامدهای منفی بی‌ثباتی، مقطعی و شتاب‌زده فعالیت‌های فرهنگی، دانش‌المان‌سازی فرهنگی، مرز میان دیپلماسی فرهنگی با دیپلماسی عمومی، پروپاگاندا و فعالیت فرهنگی برون‌مرزی، ظرفیت‌های فرهنگی کشور و ارزش آن‌ها و در آخر، برنامه‌ریزی بر مبنای شناخت محدود، عوامل اثرگذار بر دیپلماسی فرهنگی هستند. در بخش دیگری از نتایج تحقیق مشخص شد که طیف متنوعی از راهبردها و ابزارها در دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران استفاده می‌شوند. از جمله می‌توان به ارتقای اقدامات و فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی در قالب توسعه ارتباط با مخاطب در قالب نمادسازی جهت برقراری ارتباط بصری و معنایی، استفاده از گنجینه گران‌بهای کتب و ادبیات فارسی و جایگاه ترجمه و نشر، توسعه رویدادهای فرهنگی و هنری در داخل و خارج کشور، توسعه صنعت گردشگری، دیپلماسی دینی و مذهبی، تقویت زیرساخت‌ها در قالب رشد و توسعه فناوری ارتباطات، ارائه کالا و خدمات فرهنگی، محوریت اشتراکات فرهنگی، انسجام هدفمند، پایدار، عام و قابلیت انطباق دیپلماسی، انعطاف و مدارا در فعالیت‌ها و

ارتباط با مخاطبان، حفظ امنیت فرهنگی، تدوین پیوست فرهنگی، توسعه فعالیت‌های مشارکتی، خلاقیت و پویایی فرهنگی، صداقت و شفافیت در اقدامات، هماهنگی با استانداردهای جهانی، توسعه و تقویت بازیگران دیپلماسی در قالب توسعه، تقویت و توانمندسازی بازیگران دیپلماسی فرهنگی، توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد، ظرفیت و توانمندسازی مبلغین مذهبی، تقویت زیرساخت‌های دیپلماسی فرهنگی در قالب فیزیکی و حقوقی، ارتقای ساختار و الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی دیپلماسی فرهنگی در قالب تقویت نظام مدیریت و برنامه‌ریزی، اصلاح ساختار بودجه‌ریزی جهت ایجاد وحدت رویه، الزامات نظارتی و پاسخگویی، نظام مدیریت دانش و اطلاعات، به‌کارگیری دیپلماسی چندلایه در قالب دیپلماسی رسمی، غیررسمی و نهادهای بین‌المللی، توانمندسازی کارگزاران دیپلماسی فرهنگی، تقویت ارتباط با مخاطبان دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران، پیگیری رسالت‌ها و اهداف دیپلماسی فرهنگی در قالب گفتمان‌سازی، تقریب مذاهب، تأمین امنیت ملی، گفت‌وگوی فرهنگی، ترویج زبان پارسی، شناخت محیط و زمینه‌سازی برای تبادل و اشاعه اشاره کرد.

شکل (۵) - چهارچوب راهبردهای دیپلماسی فرهنگی

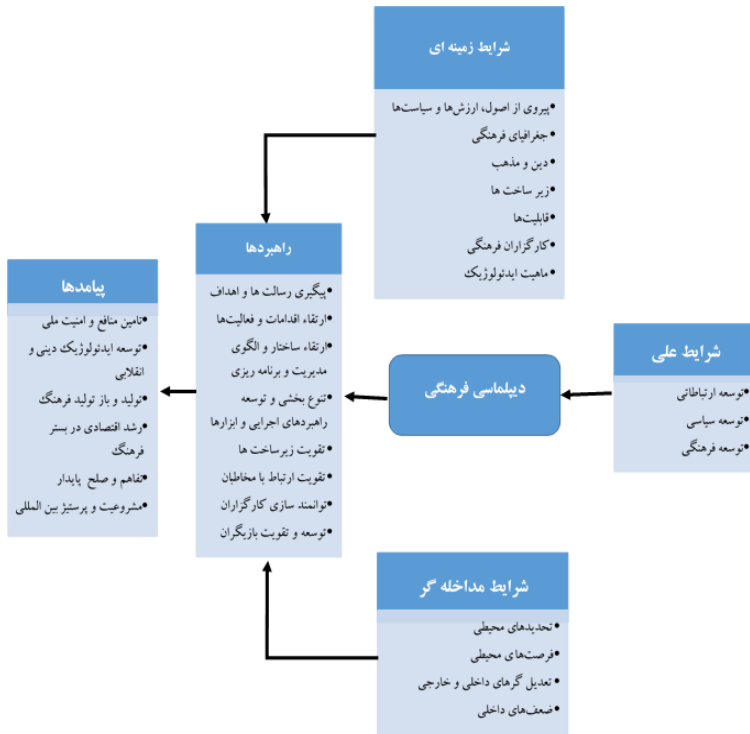


براساس یافته‌های پژوهش، کم‌رنگ شدن قدرت ظرفیت‌های گذشته دیپلماسی فرهنگی ایران مانند اسلام‌شناسی، شرق‌شناسی، زبان فارسی و علاقه‌مندان به آن، و

ناپایداری محیط بین‌المللی تهدیدی برای دیپلماسی فرهنگی شناسایی شد و رسانه‌های همسو، مراکز فرهنگی، اسلامی و شیعی و رویدادهای مرتبط با ایرانیان خارج از کشور، سازمان‌های فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی و حضور فعال مخاطبان علاقه‌مند از فرصت‌های موجود می‌باشد. اشتراک‌ها و تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری، پارادوکس و تفاوت محتوایی، تحولات فنی و تکنولوژی اطلاعات، سطح و کیفیت روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، کمیت، کیفیت و تنوع مخاطبان، منافع ملی، کنشگران دیپلماسی فرهنگی و تغییرات دموگرافیک، نقش تعدیل‌گر در راهبردهای دیپلماسی را برعهده دارند. کاستی‌ها و ضعف‌های محیط داخلی، عدم اقناع عمومی، تعدد بازیگران و نهادها، حاکمیت فرهنگی و استیلای سیاست بر فرهنگ، ضعف شناخت، دانش و مهارت‌های دیپلماسی فرهنگی، ضعف رایزنان و فعالان فرهنگی، ضعف در گسترش و بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌ها، زیرساخت‌ها و ابزار مرسوم دیپلماسی فرهنگی، ضعف قانونی و حقوقی، ضعف‌های ساختاری و سازمانی، مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرا، ضعف در مدیریت دانش و اطلاعات، ضعف اعتبارات فرهنگی در حوزه دیپلماسی فرهنگی، تقلیل‌گرایی در تعریف مخاطبان از جمله ضعف‌های شناسایی شده در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. درنهایت، براساس نتایج پژوهش از پیامدهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران پیامد منفی استخراج نشد. تأمین شدن منافع و امنیت ملی که قدرت نرم حاصل از دیپلماسی فرهنگی و شکل‌دهنده سازه‌های اصلی قدرت ج.ا.ایران است، توسعه ایدئولوژیک دینی و انقلابی با نگاه به ارزش‌های جهان‌شمول، تولید و بازتولید فرهنگ، حاصل از دیپلماسی فرهنگی، رشد اقتصادی و توسعه پایدار در نتیجه پیوند اقتصاد فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی، بازسازی وجهه بین‌المللی (پرستیژ) و تصویرسازی صحیح مبتنی بر واقعیت از ایران و انقلاب اسلامی و ایجاد تفاهم و صلح پایدار به‌عنوان پیامدهای دیپلماسی فرهنگی مطرح شد. ارائه الگوی دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران هدف اصلی این پژوهش بود که به‌صورت یک مطالعه کیفی براساس نظریه برخاسته از داده‌ها و از طریق مصاحبه عمیق با بیست‌و‌چهار نفر از صاحب‌نظران و عوامل دخیل در حوزه دیپلماسی فرهنگی انجام شد. این پژوهش با شناسایی شرایط علی دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران، شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای مؤثر، راهبردها و پیامدهای حاصل در قالب مدل پارادایمی، حول مقوله اصلی این تحقیق یعنی «دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران» دسته‌بندی گردید. درمجموع شرایط علی به دلیل نیاز ج.ا.ایران به توسعه ارتباطی، در دو محور کلیدی ارتباطات فرهنگی

میان دولت‌ها و میان ملت‌ها، توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی؛ جهت‌بازایی جایگاه محوری و تاریخی خود به‌عنوان یک قدرت نوظهور باسابقه تمدنی، دینی و مذهبی باعث شده است تا هرچه بیشتر از پیش از دیپلماسی فرهنگی در کنار سایر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های در اختیار بهره ببرد. هرچند بنا بر یافته‌ها، جایگاه ج.ا.ایران در اکثر عوامل علی، به دلایل مختلف داخلی یا عوامل محیطی دچار ضعف، کمبود و کاستی است و نیازمند عزم ملی، تدبیر و پیاده‌سازی صحیح آن‌ها می‌باشد.

شکل (۶) - الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

ایران همواره به‌واسطه ابزارهای متنوع چون زبان، ادبیات، دین، هنر، کالا و نمادها به تبادل ارزش‌های فرهنگی خود با سایر نقاط جهان پرداخته است. در دوران معاصر و پس از انقلاب اسلامی که در کنار بعد تمدنی، دین اسلام، مذهب تشیع و ارزش‌های انقلابی به‌عنوان مدارای برای دیپلماسی فرهنگی مطرح گردید، قابلیت الهام‌بخشی

برای ژئوکالچر خود و نیز قابلیت نقش‌آفرینی در عرصه بین‌الملل را نیز دارد. قدرت منطقه‌ای نوظهور ایران از عقبه‌ای تمدنی برخوردار بوده و آن را در بافت حاصل از پیوند باارزش‌های اسلامی- شیعی و انقلابی تقویت و از منظر فرهنگ، درجه نوین و نرم‌تری را جهت ارتباط و گفت‌وگوی با جهان برای خود تعریف نموده است. از سوی دیگر، عامل شناخت و مفاهمه فرهنگ‌ها از یکدیگر، تغییر نگرش در عرصه جهانی و بعد فردی است؛ این تغییر در عرصه جهانی، از پدیده جهانی‌سازی به سمت تنوع فرهنگی و گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها و در بعد فردی، گذار انسان از مادی‌گرایی به معنویت‌گرایی و توجه به فطرت است.

طبق یافته‌ها رونق دیپلماسی فرهنگی، ثمرات و پیامدهای مستقیم و تدریجی دارد و تأثیر مستقیمی بر جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی خواهد داشت. دیپلماسی فرهنگی از منظر ابزاری منافع ملی، امنیت و توسعه اقتصادی را به همراه می‌آورد و از منظر فرهنگ با بازتولید فرهنگ زمینه‌پویایی فرهنگ ایران و حفظ جایگاه برتر آن در عرصه بین‌المللی را باعث می‌گردد. همچنین پیامد تدریجی آن، تفاهم و صلح پایدار بین‌المللی از طریق گفت‌وگو، مفاهمه و تبادل فرهنگی است. لازمه این مفاهمه تقویت ارتباطات فرهنگی با مخاطب حداکثری است. لذا ابتدا می‌بایست صدای ایران به‌وضوح، رسا و پرتنین توسط همه مخاطبان، بازیگران و عناصر مؤثر موجود در پیرامون شنیده شود.

بهره‌گیری درست، به‌جا و در زمان مناسب راهبردها در بستر گفتمانی جمهوری اسلامی باعث می‌شود ضمن پیشبرد آرام کشور، نتایج مطلوبی حاصل آمده و دیپلماسی فرهنگی از بی‌عملی و انفعال خارج گردد. بهبود تصویر کشور در افکار عمومی جهان و سپس احیای گسترش تمدنی ایران و استفاده از آن برای ارتقای جایگاه کشور می‌بایست همپا با سایر مسائل اقتصادی و سیاسی در اولویت تصمیم‌گیران کشور به‌ویژه فعالان حوزه بین‌الملل قرار داشته باشد. نتایج پژوهش در این بخش، با نتایج پژوهش‌های قنبرلو (۱۴۰۰)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۴)، عراقچی و جنتی محب (۱۳۹۶)، مبینی مقدس و هاشمیان (۱۳۹۴) و «اونالمیش و باشران»^۱ (۲۰۱۹)، و «واستنچ»^۲ (۲۰۱۴) هم‌راستا می‌باشد.

عوامل زمینه‌ای به شرایط و ویژگی‌هایی که بر تدوین و اجرای راهبردها تأثیر می‌گذارد اطلاق می‌شود که عبارت‌اند از: «پیروی از اصول، ارزش‌ها و سیاست‌ها،

1. Unalmis & Basaran
2. Wastndidge

جغرافیای فرهنگی، دین اسلام و مذهب تشیع، زیرساخت‌های آموزشی، زیرساخت‌های رسانه‌ای و فضای مجازی، زیرساخت‌های دینی و مذهبی، زیرساخت‌های تمدنی و میراثی، زیرساخت علمی- فرهنگی، زیرساخت نهادی، سبک زندگی ایرانیان، قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی، قابلیت‌های ادبی و هنری، قابلیت‌های انسانی، قابلیت‌های سیاسی، کارگزاران فرهنگی، و ماهیت ایدئولوژیک دیپلماسی جمهوری اسلامی». در اینجا آنچه خودنمایی می‌کند کم‌توفیقی دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران در بهره‌گیری از این بستر عظیم و جوشان فرهنگی است. درحالی‌که ایران در ابعاد گوناگون فرهنگی خود زبان مشترک با کلیه مردمان جهان را داراست اما مشاهده می‌شود که عوامل فوق‌الذکر به‌خوبی شناسایی نشده، یا کمتر در جای درست به‌کار گرفته می‌شود. در نتیجه شاهد چهره‌ای کلیشه‌ای و نامتوازن از اقدامات دیپلماسی فرهنگی هستیم. در سطح کلان، شاهد توفیق دیپلماسی فرهنگی در زمینه‌های مذهبی و ایدئولوژیک و بالعکس عدم توفیق در زمینه‌های فرهنگی و هنری هستیم. باید بیان داشت آنچه باعث سمت‌وسوی حرکت دیپلماسی فرهنگی است زاویه نگاه رایزنان و کارگزاران فرهنگی مأمور در هر جغرافیا است. یافته‌های این بخش با نتایج تحقیق خالدی، عامری و حسین‌زاده (۱۳۹۹)، قربانی گلشن‌آباد (۱۴۰۰)، پورعلی، دهشیری، قائدی و خداوردی (۱۴۰۱)، اوکال (۲۰۱۸)، ویاررول^۱ (۲۰۱۷)، و واشتنیج (۲۰۱۴) و نزدیک است.

راهبرد مطلوب، نیازمند افزایش پویایی و بهبود فرایند خط‌مشی‌گذاری است. در این فرایند، هر مرحله از تدوین راهبردهای دیپلماسی فرهنگی بایست به‌گونه‌ای عمل نماید که ضمن برآورده کردن ارزش‌ها و انتظارات موردنظر ذینفعان، از کارایی و اثربخشی نیز برخوردار باشد. عموم مردم، گروه‌ها و جریان‌های مختلف فرهنگی و عقیدتی، بخش‌های مختلف حاکمیت، نهادها و... ذینفعان دیپلماسی فرهنگی هستند. آنان انتظار دارند تا راهبردها هم‌پیوند با سایر حوزه‌ها با کارایی مؤثر و تعامل سازنده با جهان انتظاراتشان را تأمین نماید. سیستم دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران الگوی تغییرات تدریجی را دنبال می‌کند. مدلی که مفروضات اصلی آن، وابستگی شدید اهداف با تحلیل اوضاع بوده و اولویت اهداف براساس زمان- مکان تغییر می‌کند، خط‌مشی‌گذاران تنها تعداد محدود گزینه که با راهبرد جاری تفاوت اندکی دارند را در نظر می‌گیرند، تحلیل راهبردها به پایان نرسیده بلکه یک راهبرد بارها تکرار

1. Villarroel

می‌شود و با تغییرات اندکی به‌روز می‌شود. فرایند تدوین و یا اجرای راهبردها در شرایط مبهم و بی‌نظم دیپلماسی فرهنگی انجام می‌شود. اولاً شرایطی که ابهام موجود در اولویت اهداف و عدم هماهنگی میان آن‌ها و شعارزدگی در تصمیم‌ها وجود دارد. یعنی خواسته‌های متعددی وجود دارد که یا باهم قابل جمع نیست و یا ساختاری که توان تنظیم آن‌ها را داشته باشد وجود ندارد. ثانیاً، ساختار دیپلماسی فرهنگی به ادامه کارکرد خود براساس آزمون و خطا ادامه داده و به‌جای برنامه‌ریزی راهبردی به انطباق معطوف است. ثالثاً، مرزهای سازمان دیپلماسی فرهنگی باز است و بی‌ثبات است. مشارکت‌کنندگان با سلايق متفاوت، به‌راحتی وارد فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شده یا از آن خارج می‌شوند. یافته‌های این بخش از تحقیق با نتایج پژوهش‌های ذوالفقاری و غلامعلی (۱۴۰۱)، صادقی و مشهدی (۱۳۹۸)، منیری، صالحی امیری و چاوش‌باشی (۱۳۹۷) شگری و همکاران (۱۳۹۲)، ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶)، اژدری و همکاران (۱۳۹۶)، دهقانی فیروزآبادی و رستگاری (۱۳۹۴)، مبینی مقدس و هاشمیان (۱۳۹۴)، شیخ‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، اونالمیش و باشران (۲۰۱۹)، و واستنیج (۲۰۱۵) هم‌خوانی دارد.

پیامدهای خروجی نهایی حاصل از به‌کارگیری راهبردهای هستند. این پیامدها عبارت‌اند از: «تأمین منافع و امنیت ملی، توسعه ایدئولوژیک دینی و انقلابی، تولید و بازتولید فرهنگ، رشد اقتصادی در بستر فرهنگ، تفاهم و صلح پایدار، تقویت مشروعیت و پرستیژ بین‌المللی ج.ا.ایران». یافته‌های این بخش از تحقیق با نتایج تحقیقات سیمبر و مقیمی (۱۳۹۴)، جمشیدی، سلطانی نژاد و بیات (۱۳۹۵)، درخشه و غفاری (۱۳۹۰) و «کوریلوف، نیکولین و گونچارووا»^۱ (۲۰۱۷) هم‌راستا است. در پژوهش‌های پیشین در حوزه دیپلماسی فرهنگی گروهی با نگاهی تبیینی به ایجاد مبانی علمی و ادبیات علمی حوزه دیپلماسی فرهنگی پرداخته‌اند، برخی در بررسی مؤلفه‌های مؤثر دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران، اقدامات دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران را در یک جغرافیای مشخص، یکی از ابعاد و اقدامات دیپلماسی فرهنگی، نقش ارتباطات میان فرهنگی در تصمیم‌کشورها به‌تنش‌زدایی و بررسی تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر روابط سیاسی و اقتصادی کشورها پرداخته‌اند و این موارد تحقیقی تاکنون نتوانسته‌اند در مدلی یکپارچه و جامع، جوانب گوناگون از دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران را یک‌جا بررسی کنند که در آن علل، راهبردها، پیامدها، شرایط

زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر طبقه‌بندی و چهارچوب‌بندی شود. در این پژوهش علاوه بر آنکه مؤلفه‌ها و متغیرهای مرتبط را خلاصه و جمع‌بندی نموده، آن‌ها را در یک چهارچوب علت و معلول ارائه کرده است.

فرایند تحقیقی این پژوهش که از گذر حضور میدانی محقق در حوزه فعالیت حوزه دیپلماسی فرهنگی در کشورهای اروپایی و برخی کشورهای جنوب غرب آسیا نیز رصد وب‌سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتسب به رایزنی‌های فرهنگی ج.ا.ایران نیز مطالعه گزارش‌ها رایزنان فرهنگی شروع شده و سپس با مصاحبه در لایه‌های مختلف سیاست‌گذار، برنامه‌ریزان، مجریان، کارشناسان و مجریان حاکمیتی، دولتی و مردم‌نهاد ادامه یافت به بازنمایی مفاهیم دیپلماسی فرهنگی به صورت کیفی، پرداخته و در نهایت منجر به ارائه مبانی نظری نسبتاً جامع، فراروی پژوهشگران، مخاطبان و بازیگران این عرصه شد.

به نظر می‌رسد با بررسی جوانب موضوع اعم از شرایط تأثیرگذار و تأثیرپذیر از دیپلماسی فرهنگی، می‌توان ابهامات و جنبه‌های مجهول و مغفول مانده این بخش را برطرف نموده و با افزایش دانش و ارائه چهارچوب نظری، جایگاه و ضرورت فعال نمودن این بخش را در سطح جامعه تبیین نمود. بنابراین، نه تنها مسیر پژوهش حول شاخه‌ها و زیرشاخه‌های متعدد و متنوع این عرصه علمی، هموارتر می‌گردد که سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مجریان و حتی مخاطبان این بخش عظیم فرهنگی، تکلیف خود را در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان برای حضور مؤثر و مستمر در این حوزه، روشن‌تر درک و عملی نمایند.

پیشنهادها

- ❖ تدوین نقشه راه جامع دیپلماسی فرهنگی کشور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
- ❖ تدوین نقشه راه جامع دیپلماسی فرهنگی برای کشورهای هدف؛
- ❖ تدوین نظام اعزام رایزنان فرهنگی و انتصاب آنان توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی یا هیئت دولت؛
- ❖ ارتقای سطح ساختاری دیپلماسی فرهنگی به معاونت ریاست جمهوری یا ذیل دفتر مقام معظم رهبری؛
- ❖ تأسیس رشته دیپلماسی فرهنگی در دانشگاه‌ها ذیل حوزه روابط بین‌الملل یا مدیریت فرهنگی؛

- ❖ ایجاد پردیس‌ها و خانه‌های فرهنگ ایران در کشورهای مختلف؛
- ❖ گفتمان‌سازی پیرامون اهمیت اقدامات دیپلماسی فرهنگی از طریق اطلاع‌رسانی، تبلیغ و آموزش، گروه‌های مرجع جهت اغنای عمومی، کسب مشروعیت و عزم ملی در حوزه دیپلماسی فرهنگی.

فهرست منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۹۶). *دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل*، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۸، ۹-۳۸.
- اژدری، لیلا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ صالحی امیری، سیدرضا و سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۶). *مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات (۳۸) ۱۸، صص ۶۷-۱۰۲.
- اژدری، لیلا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ صالحی امیری، سیدرضا و سلطانی‌فر، محمد (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد*، فصلنامه راهبردهای فرهنگی اجتماعی، ۷(۳)، صص ۱۲۳-۱۵۹.
- استراوس، انسلم آل؛ جولیت، ام کوربین (۱۹۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه: بیوک محمدی (۱۳۹۳). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورعلی، پریسا؛ خداوردی، حسن؛ دهشیری، محمدرضا؛ قاندری، محمدرضا (۱۴۰۱). *مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰)*. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۵۷، صص ۲۷-۵۶.
- خالدی برهنه، بهنام؛ عامری گلستانی، حسین‌زاده؛ غلامحسن، شانه چی (۱۳۹۹). *بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه*، فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه (۴) ۲۷.
- درخشه، جلال؛ اسماعیلی کلشیمی، علیرضا (۱۳۹۶). *دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تحدیدها و راهبردها*، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، (۲) ۷، صص ۵۳-۲۷.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: علمی فرهنگی، ۵۹۰ صفحه.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ سرخیل، بهنام؛ دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۲). *رفتارهای حمایت‌گراانه و دیپلماسی فرهنگی*، تهران، نشر الهدی. ۶۰۹ صفحه.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ خرمشاد، محمد باقر؛ رستگاری، محمدحسین (۱۳۹۴). *مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. رهیافت انقلاب اسلامی، (۳۲) ۹، صص ۳-۲۴.
- ذوالفقاری، مهدی؛ غلامعلی، علی (۱۴۰۱). *مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های زبان فارسی در دیپلماسی فرهنگی ایران*. مجله مطالعات ایرانی (۴۱) ۲۱.

- زرین‌فام، حسین؛ رنجبر، ایرج؛ گلپایگانی، حسن؛ بهشتی‌نیا، ادریس (۱۴۰۰). *سرمایه اجتماعی و تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۳)، صص ۶۵۹-۶۹۲.
- سیمبر، رضا؛ مقیمی، احمدعلی (۱۳۹۴). *منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. سیاست جهانی، ۴(۱)، صص ۷-۳۸.
- شیخ‌زاده جوشانی، صدیقه؛ کمالی، یحیی؛ دوست حسینی، مهدیه (۱۴۰۱). *فرا تحلیل رویکرد آسیب شناسانه در پژوهش‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۴)، صص ۱۷۶-۲۱۷.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ محمدی، سعید (۱۳۹۲). *دیپلماسی فرهنگی*. چاپ دوم، تهران: نشر ققنوس.
- عراقچی، سیدعباس؛ فائزه، جنتی محب (۱۳۹۶). *عنوان تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر روابط سیاسی و اقتصادی کشورها، مطالعه موردی: روابط ایران و ژاپن در دوران تحریم*. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۶، صص ۱۵-۴۹.
- غلامی، محمد؛ رشیدی، احمد؛ امیری، رضا (۱۴۰۱). *ایران فرهنگی و همگرایی تمدنی در آسیای مرکزی و قفقاز*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۱)، صص ۲۱۳-۲۳۱.
- قربانی گلشن‌آباد، محمد (۱۴۰۰). *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی: عربستان سعودی*. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم ۴(۱۱)، صص ۲۷۱-۳۰۳.
- قشقاوی، حسن (۱۳۸۹). *دیپلماسی عمومی*. چاپ اول، نشر وزارت امور خارجه، تهران.
- قنبرلو، عبدالله (۱۴۰۰). *دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران*. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۴(۹۳)، صص ۱۵۷-۱۸۸.
- مبینی مقدس، مجید؛ هاشمیان، سید محمدحسین (۱۳۹۴). *سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با ایران هراسی (با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری)*. معرفت فرهنگی اجتماعی سال ششم شماره ۳(۲۳)، صص ۷۷-۹۳.
- منیری، مهدی؛ صالحی امیری، سیدرضا؛ چاوش باشی، فرزانه (۱۳۹۷). *ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مقایسه تطبیقی ایران و ترکیه*. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات ۴(۱۹).

References

- Cull, Nicholas (2006). "Public Diplomacy' Before Gullion: The Evolution of a Phrase". USCPublicDiplomacy. University of Southern California. Retrieved September 26, 2014.
- Cummings M, (2003), Cultural Diplomacy and the United States Government: A Survey, Center for Arts and Culture, p. 1
- Encyclopaedia Britannica, link:<https://www.britannica.com/topic/diplomacy>, last accessed: 29.08.2023
- Heller, Ken S. & Liza M. Persson. (2009). The Distinction between Public Affairs & Public Diplomacy: Handbook of Public Diplomacy, by Philip M. Taylor and Nancy Snow. London, New York: Routledge. <https://www.britannica.com/topic/Britannica-Online>
- Nye, Joseph S (2008). Public Diplomacy and Soft Power. THE ANNALS OF THE AMERICAN ACADEMY. Volume 616, Issue 1. <https://doi.org/10.1177/0002716207311699>
- Kurylev, K. P., Nikulin, M. A., & Goncharova, A. A. (2017). "SOFT POWER" OF CULTURAL DIPLOMACY OF THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN. Bulletin of the Moscow State Regional University. Series: History and political sciences, (2), 46-55.
- Samil O. CAL. (2018). Culture and Language as a Soft Power Tool in Iranian Foreign Policy.
- La Porte, Teresa. (2012). The Legitimacy and Effectiveness of Non State Actors and the Public Diplomacy Concept. In Public Diplomacy Theory and Conceptual Issues, ed.
- Goff M Patricia, (2013) Cultural Diplomacy, in: Cooper A., Heine J., Thakur R., (ed.) The Oxford Handbook of Modern Diplomacy, Oxford, p. 420
- Spiro, Peter. (2013). Constraining Global Corporate Power: A Short Introduction. Vanderbilt Journal of Transnational Law 46: 1101-1118.
- Stelowska, D. (2015). Culture in International Relations Defining Cultural Diplomacy: Polish Journal of Political Scienc, 1(3), 50-69.
- Strauss, A, & Corbin, J. (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
- Topic, M & Cassandra, S. (2012), Cultural Diplomacy and Cultural Hegemony: A Framework for the Analysis, in Cultural Diplomacy & Cultural Imperialism: European Perspective, by Martina Topic and Sinisa Rodin. Frankfurt: Peter Lang.
- Unalmis, A, Basaran, D. (2019). THE USE OF SOFT POWER AND PUBLIC DIPLOMACY IN IRAN FOREIGN POLICY: THE CASE OF THE MIDDLE EAST. International Journal of Crisis and Political Studies, 3 (1), 50-79. Retrieved from <https://dergipark.org>.

- Villarroel, Y. U. (2017). Gastronomy: a tool of cultural diplomacy in International Relations .Political Studies, 3(1), 50-79. Retrieved from [https://dergipark. organ.. Austral Conjunction, 8\(43\), 39-52](https://dergipark. organ.. Austral Conjunction, 8(43), 39-52).
- Wastndidge E (2014). PRAGMATIC POLITICS: IRAN, CENTRAL ASIA AND CULTURAL FOREIGN POLICY. CENTRAL ASIA AND THE CAUCASUS, Volume 15 Issue 4, 119-130.
- Wastnidge, E. (2015). The Modalities of Iranian Soft Power: From Cultural Diplomacy to Soft War. Politics, 35(3-4), 364-377. <https://doi. org/10. 1111/1467-9256. 12084>.